

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 28/08/1386

اشکالات روایات اهل سنت در تشریح اذان :

اشکال اول: مخالفت روایات اهل سنت در تشریح اذان با روایات تشریح با وحی :

ما در مناقشه دلایلی روایات عرض کردیم که اولین اشکال روایات تشریح اذان مخالفت آنها با روایات تشریح اذان با وحی است...

اشکال دوم: عدم اعتبار خواب و رؤیا نزد شیعه و سنی :

نکته دیگری که در این جا باید اشاره کنم، این است که خود رؤیا، چه نزد شیعه و چه نزد اهل سنت هیچ اعتباری ندارد؛ حتی بعضی ها ادعای اجماع کرده اند بر عدم اعتبار رؤیا و خواب، مگر این که خواب انبیاء و پیامبران باشد.

لا یعتمد علی رؤیا غیر الأنبیاء یا جماع الأمة.

به اجماع علمای امت بر خواب و رؤیا اعتباری نیست مگر خواب و رؤیای انبیاء.

علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج 1، ص 104 و ص 105.

تعبیر ابن حجر این است که:

وقد استشكل إثبات حكم الأذان برؤیا عبد الله بن زيد لأن رؤیا غیر الأنبیاء لا یتنی علیها حکم شرعی.

بر اثبات حکم اذان به واسطه خواب و رؤیای عبد الله بن زید اشکال شده است که به جز خواب انبیاء نمی تواند مستند حکم شرعی قرار گیرد.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج 2، ص 82، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، الوفاة: 852، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقیق: محب الدین الخطیب.

ابن حجر، ابن تیمیه، قرطبی و... صراحتاً گفته اند: هم آیه و هم سنت دلالت می کند بر این که در وضو ما باید پایمان را مسح کنیم؛ ولی چه کار کنیم که ائمه اربعه ما و بعضی از بزرگان بر این عقیده اند که باید پا را شست و ما هیچ راه گریزی نداریم که راه اینها را برویم.

یعنی عین همان تعبیری که در قرآن آمده:

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا.

و چون به آنها بگویند: از آنچه خدا نازل کرده است متابعت کنید گویند: نه، ما از آیینی که پدران خود را بر آن یافته ایم متابعت می کنیم.

سوره لقمان (31)، آیه 21.

در این جا ابن حجر يك توجيه بسیار بی پایه و اساس دارد. من نمی خواهم جسارت کنم؛ ولی کلمات بی اساس و بی پایه شان را مورد نقد قرار می دهیم. می گوید: خواب انبیاء چیزی نیست که حکم شرعی بر اساس آن بناء شود.

بعد مي گوید:

وأجيب باحتمال مقارنة الوحي لذلك أو لأنه صلي الله عليه وسلم أمر بمقتضاها لينظر أيقر علي ذلك أم لا ولا سيما لما رأي نظمها يبعد دخول الوسواس فيه.

جواب داده شده به احتمال همراهي وحي با اين گونه موارد چون رسول خدا صلي الله عليه و آله به مقتضاي آن امر نمودند تا ببيند آيا بر اين اقرار مي کنند يا نه؟ مخصوصاً وقتي که ديد نظم آن مانع از دخول وسواس در آن مي شود.

فتح الباري شرح صحيح البخاري، ج 2، ص 82، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، الوفاة: 852، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: محب الدين الخطيب.

وقتي انسان مي بيند که اين بزرگان با آن همه عظمت علمي که دارند به اين شکل با کلمه « احتمال، يَحتمل، يظن و يزعم» مي خواهند حکم شرعي درست کنند، آدم واقعاً تأسف مي خورد. آيا قرينه و شاهدي در اين باره وجود دارد؟ قبل از آقاي ابن حجر و در طول اين هشت قرن آيا کسي آمده چنين چيزي گفته است؟ فقط مجرد احتمال مقارنة الوحي لذلك. ما مي گوييم که اصلا اين بحثي که شما مطرح کرديد، با نص روايات، حيرت نبي مکرم، سرگرداني آن حضرت، دستور به ساختن ناقوس و خواب صحابه و از آن طرف آمدن پيامبر به سوي خواب مخالفاً للوحي نمي سازد. رواياتي که فقهاي شما بر آن استناد کرده اند، گفته اند که وحيي در کار نبود.

اگر وحيي بود، نبي مکرم تابع وحي بود، چه نيازي بود که يك کسي خواب ببيند و وحي بيايد خواب را تأييد کند، اگر بنا است که خواب بيايد، مي آيد و اذان را تشریح مي کند. خواب در کنار وحي كالحجر في جنب الإنسان (سنگ در کنار انسان) است.

پس اشکال دوم ما این است که خواب کسی حجت نیست و نبی مکرم موظف است از وحی تبعیت کند نه از خواب. بله خوابی که نبی مکرم ببیند و حتی اگر الهامی بشود، عین وحی است و هیچ تفاوتی ندارد؛ همان طوری که در سوره اسراء، آیه 60 هم صراحت دارد:

**وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ.**

و آنچه در خواب به تو نشان دادیم و داستان درخت ملعون که در قرآن آمده است چیزی جز آزمایش مردم نبود. ما مردم را می ترسانیم ولی تنها به کفر و سرکشیشان افزوده می شود.

**سوره اسراء (17)، آیه 60.**

که صراحت در دودمان نحس بنی امیه دارد. حتی بعضی از وحی ها برای بعضی از پیامبران از طریق وحی بوده است. بعضی از طریق الهام بوده و برخی دیگر از طریق ارتباط با فرشته وحی.

**اشکال سوم: حیرت و سرگردانی پیامبر در انجام رسالت :**

اشکال سوم بر روایات تشریح اذان این است که قضیه عبد الله بن زید بنا بر آنچه که از ابوداود و ابن ماجه خواندیم، مردم برای نماز جماعت حاضر نمی شدند، بعضی ها زود می آمدند، بعضی دیر تر و بعضی نمی رسیدند، نبی مکرم حیران و سرگردان بودند که چه کار کنیم که مردم متوجه وقت نماز بشوند. بعضی ها گفتند که ناقوس بسازیم و.. تا این که نبی مکرم دستور داد ناقوسی بسازند و آن را در زمان نماز بکوبند و مردم حاضر بشوند و قبل از آن که این کار عملی شود، آقای عبد الله بن زید خواب دید و پیامبر از این تصمیم شان برگشته و فرمودند: برو به بلال آموزش بده تا اذان بگوید.

این بدان معناست که نبی مکرم در يك امر شرعي حیران و سرگردان است، این مخالفت رسالت و نبوت است که نبی مکرم در يك امر شرعي نداند چه کار کند.

### اشکال چهارم: محال بودن بداء قبل از فرا رسیدن وقت عمل :

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم با مردم مشورت می کند و دستور می دهد که ناقوس بسازند و دستور می دهند که ناقوس را بزنند، قبل از آن که این ناقوس زده بشود، پیامبر از رأی خود بر گشته اند. آقایان صراحت دارند که عدول از يك امری قبل از وقت عمل از انواع بداء مستحیل است؛ هم برای خدا و هم برای رسول. یعنی خداوند به عملی امر کند اما قبل از وقت عمل از این امر برگردد. این را اهل سنت بداء مستحیل می گویند و نشان گر حیران و جهل شارع مقدس است.

### اشکال پنجم: مشورت در تشریح احکام الهی :

اشکال پنجم: این است که در این روایات داشتیم که پیامبر با مردم مشورت کردند، هر کس نظری داد، اولاً: مشورت در امور شرعی برای پیامبر جایز نیست. قرآن صراحت دارد که تمام امور شرعی به دست خداوند است. در سوره آل عمران، آیه 154 می فرماید:

يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ.

می گفتند: آیا هرگز کار به دست ما خواهد افتاد؟ بگو: همه کارها به دست خداست.

سوره آل عمران (3)، آیه 154.

نبي مکرم اگر بنا است که يك امر شرعي را براي مردم بيان کند؛ آن هم در يك امر تعبدي بخوهد با مردم مشورت کند بر خلاف « قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ » است.

خود مشاوره که هر کس طرحي بدهد و نبي مکرم در امر شرعي به دهان مردم نگاه کند، در حقيقت نوعي بازگو کردن سخن مردم از قول خداوند است و اين خلاف آیه 44 سوره الحاقه است که خداوند مي فرمايد:

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ. ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ.

اگر پیامبر پاره اي سخنان را به افترا بر ما مي بست، با قدرت او را فرومي گرفتيم، سپس رگ دلش را پاره مي کرديم. سوره الحاقه (69)، آیه 44.

اين طور تهديد نشان مي دهد که نبي مکرم اجازه ندارد بيايد در مسائل شرعي با مردم مشورت کند.

اما قضيه «وشاورهم في الأمر» قطعاً با توجه به سيره نبي مکرم صلي الله عليه وآله وسلم مختص موضوعات خارجيه است و ارتباطي به مسائل شرعي ندارد. مواردش هم تا حدودي مشخص شده است.

**اشکال ششم: ذکر نشدن روايات تشريع اذان در صحيح مسلم و بخاري :**

اشکال ششم: اين است که آقاين معمولاً به فضائل اهل بيت عليهم السلام که مي رسند مي گويند: چون اين روايت را بخاري و مسلم در صحيحشان نياورده اند، معلوم مي شود که اين حديث ضعيف بوده است. مثلاً حديث غدیر را به همين دليل تضعيف مي کنند. يا رواياتي مثل «علي مع الحق» و...

ما هم در این جا می گوئیم: آیا این روایت را بخاری آورده است، آیا مسلم آورده؟ این دو نفر که از شخصیت های برجسته شما هستند و غالباً اعراض اینها را دلیل بر ضعف یک روایت می دانید، آیا در این دو کتاب حدیث خواب عبد الله بن زید، خواب عمر، خواب ابوبکر و یا هفده نفر از صحابه در یک شب، آمده است؟

### اشکال هفتم: حاکم شهادت عبدالله بن زید را قبل از تشریح اذان می داند :

از آن بالاتر، آقای حاکم نیشابوری، متوفای 306 هـ عنایت داشت تمام روایاتی را که از قلم محمد بن اسماعیل بخاری و محمد بن مسلم نیشابوری ساقط شده، در مستدرک استدراک کند؛ یعنی تمام روایاتی که شرائط بخاری و مسلم را داشت بیاورد. حتی در مستدرک الصحیحین هم این قضیه خواب عبد الله بن زید نیامده است؛ بلکه خود حاکم نیشابوری عبارتی دارد که آمده طعن زده و اشکال کرده بر همین قضیه خواب عبد الله بن زید و می گوید:

وإنما ترك الشيخان حديث عبد الله بن زيد في الأذان والرؤيا التي قصها علي رسول الله صلي الله عليه وسلم بهذا الإسناد لتقدم موت عبد الله بن زيد فقد قيل إنه استشهد بأحد وقيل بعد ذلك بيسير والله أعلم

مسلم و بخاری نقل حدیث عبد الله بن زید در باره اذن و قصه خواب او را که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده و باعث تشریح اذان شده است را ترك کرده و آن را نیاورده اند چون اصلاً عبدالله بن زید يك سال قبل از تشریح اذان و یا به قول بعضی مدتی اندك قبل از آن از دنیا رفته است. و خداوند دانا تر است.

المستدرک علی الصحیحین، ج 4، ص 387، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، الوفاة: 405 هـ، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا.

می گوید: اصلاً عبد الله بن زید قبل از تشریح اذان از دنیا رفته است و همه این روایات ساختگی است؛ چون عبد الله بن زید در جنگ احد شهید شده و قضیه تشریح اذان در نزد اهل سنت بعد از واقعه جنگ احد است.

و جالب این است که دختر عبد الله بن زید می آید پیش عمر بن عبد العزیز، روایت هم صحیح است و ابو نعیم در حلیة الأولیاء دارد، می گوید:

**دخلت ابنة عبد الله بن زید بن ثعلبة علي عمر بن عبد العزیز فقالت أنا ابنة عبد الله بن زید شهد أبي بدرًا وقتل بأحد فقال سليني ما شئت فأعطاها**

دختر عبد الله بن زید بن ثعلبه با عمر بن عبد العزیز مواجه شد و گفت من دختر عبد الله هستم او در جنگ بدر حاضر شد و در جنگ احد به شهادت رسید. عمر بن عبد العزیز گفت: هرچه می خواهی از من تقاضا کن.

**الإصابة في تمييز الصحابة، ج 4، ص 97، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، الوفاة: 852، دار النشر: دار الجيل - بيروت - 1412 - 1992، الطبعة: الأولى، تحقيق: علي محمد البجاوي.**

دختر عبد الله بن زید تقاضاهایی دارد. این دختر نزد عمر بن عبد العزیز رفته و فضائل پدرش را نقل می کند؛ از جمله حضور در جنگ بدر و شهادت در جنگ بدر. اگر چنانچه خواب پدرش مصدر تشریح اذان بود، باید ذکر می کرد؛ چون حضور در بدر و شهادت در احد اختصاص به عبد الله بن زید نداشت و فضیلت مختصه نیست؛ ولی رؤیایی که مصدر تشریح اذان باشد، از فضائل ویژه است و از منقبت خاصی است که قابل مقایسه با حضور در جنگ بدر نیست. حتی خود بزرگان اهل سنت دارند که اگر واقعاً رؤیا ثابت بود، باید دخترش بیان می کرد.

پس ما در مجموع هفت اشکال اساسی بیان کردیم.